بیانیه خانه سینما در تقبیح حمله تروریستی

خانه سینما حمله اخیر تروریست‌های جیش‌العدل به اتوبوس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را محکوم کردند. آن‌طور که فارس گزارش داده، خانه سینما (بزرگ‌ترین نهاد صنفی سینماگران ایران) هم بیانیه‌ای به این شرح صادر کرد: «هنوز چند روزی از پایان سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر با درخشش دو اثر ارزشمند در نمایش نفاق و انحراف نمی‌گذرد که بار دیگر با یکی از وحشیانه‌ترین رخدادهای تروریستی جهان به دست دشمنان قسم خورده ایران اسلامی روبه‌رو شدیم و تعدادی از هموطنان و جوانان مظلوم و خدمتگزار کشورمان را که حفاظت از ناموس و جان و مال مردم سرزمین‌مان را به‌عهده دارند با دستان ناپاک دژخیمان و سفاکان پلید این روزگار از دست دادیم. خانه سینما به نمایندگی از جامعه اصناف سینمایی کشور ضمن محکوم کردن این اقدام وحشیانه و تروریستی به خانواده شهیدان عزیزمان تسلیت گفته و از خداوند منان برای بازماندگان صبر و اجر و برای شهدای عزیز علو درجات آرزو می‌کند.»

KHANEH CINEMA

ستی اخیر را ثبت کرده؛ تصویری که برای خیلی‌ها تابلوی «عصر عاشورا» را یادآوری می‌کند

یان» گریه می‌کند

ع شهدا دیده فراموش نمی‌کند؛ از همسری که تاب رساندن خود به شهید را نداشته فرزند شهیدش برقرار می‌کرده است

محسن، می‌دونم داخل همین هواپیمایی

می‌گویم شما به عنوان عکاسی که به چنین مراسمی اعزام می‌شوید، می‌دانید تعدادی عکس قابل پیش‌بینی خواهید گرفت. مثلا می‌دانید که لحظات اندوه‌باری را از بی‌تابی‌ها و بی‌قراری خانواده‌های شهدا و انتظار و شوق خانواده مجروحان ثبت خواهید کرد، اما لحظات غیرقابل پیش‌بینی هم هست که شما به‌یکباره با آن مواجه می‌شوید. می‌پرسم از این دست صحنه‌ها در روز استقبال دیده است، می‌گوید: «پدری بود که بی‌تابی نمی‌کرد و گوشی‌اش را گذاشته بود دم گوشش و مدام گویی که تماس می‌گرفت با شخصی و می‌پرسید کی می‌رسد. می‌گفت: محسن می‌دونم داخل همین هواپیمایی. پس کی می‌رسی پسرم؟» بسیار تکان‌دهنده بود. چون آن سوی خط کسی نبود و او با پسر شهیدش گفت‌وگو می‌کرد.

عصر عاشورای فرشچیان در اصفهان

واکنش‌ها به عکس معروف مادر و فرزند، بسیار بوده است. قبلا هم گفتیم که در صفحه ۱۱ به توییت‌ها پرداخته‌ایم. از عکاس می‌پرسیم آیا این واکنش‌ها به انتشار عکسش را دیده است؟ و آیا نکته قابل توجهی بین این واکنش‌ها چشمش را گرفته؟ می‌گوید چند توییت و پست اینستاگرامی را دیده، اما بهترین متنی که خوانده این بوده است از علی علیزاده: «یک زن و یک کودک در فرودگاه بدر اصفهان. در انتظار ورود بدن تکه پاره شده شوهر و پدر. اگر این عکس فردا تکثیر شد مقصرش دقیقا کسانی هستند که امروز تروریسم را بدون اما و اگر و بدون لکنت و ادای روشنفکری، صریحا و مطلقا محکوم نکردند.»

می‌گویم در واکنش‌ها عده‌ای هم به قرابت عجیب عکس او با تابلوی «عصر عاشورا»ی محمود فرشچیان اشاره کرده‌اند. می‌گوید نمی‌دانسته و حالا این خبر را از من می‌شنود و می‌گوید حرف اولش را عوض کنم و بنابراین بنویسم این، بهترین نکته‌ای است که بین واکنش‌ها سراغ داشته است. می‌پرسم آیا می‌داند از کدام تابلو حرف می‌زنم؟ کاملا تابلو را می‌شناسد: «بله، تابلوی عصر عاشورا را بارها دیده‌ام. حضرت رقیه پای ذوالجناح امام حسین(ع) منتظر است. باعث افتخار است اگر قرابتی در این میان باشد.»

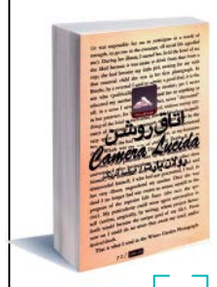

رولان بارت در کتاب «اتاق روشن» می‌گوید: «هر عکاس، کارگزار مرگ است». در این گزارش، با این جمله این نظریه‌پرداز گفت‌وگوهایی برقرار کرده‌ایم

زانوهایم سست شد و دیگر نتوانستم عکس بگیرم

می‌گوید برنامه از این دست زیاد رفته است برای عکاسی؛ برنامه تشییع شهدایی که از تفحص به دست می‌آیند. اما اینجا تصویری دیده که وقتی به ال‌سی‌دی دوربینش نگاه انداخته تا ببیند چه گرفته است، باورش نشده چنین تصویری را ثبت کرده. سه شات زده و بعد عکس را نگاه کرده، زانوهایش سست شده و همانجا نشسته است. برای عکاس‌های خبری، کنترل احساسات یک اصل است، اما خب آنها هم آدم هستند و می‌توانند از پا دربیایند با یک عکس عذاب. پس از این تصویر، نتوانسته چند عکس بیشتر بگیرد. تصویری که صالحی از آن حرف می‌زند، مربوط به بچه شهید حسن مجیدی است. برنامه وداع در اصفهان، صبح دیروز جمعه. دردآور است. می‌گوید چقدر سنگ‌دلید شما و بغض امانش نمی‌دهد.

۳

نوییت گرام